

دروس هیئت
جلسه اول
سخنران استاد صمدی آملی
تاریخ [1396/1/3](#)

اسم کتاب را حضرت اقا روحی فدا
(دروس هیئت و دیگر رشته های ریاضی) گذاشتند

دلیل (... دیگر رشته های ریاضی) این است که حضرت اقا چنین
دروسی را پیاده کرده

رساله در ظل (تائزانت)،
رساله ای در تکسیر دایره و بیان نسبت محیط به قطر دایره (یعنی
بحث از پی)،
تعلیقات و حواشی بر دوره اصول اقلیدس و شرح صدور آن به
تحریر خواجه طوسی،
رساله ای در میل کلی از امهات مسائل هیوی و مسائل متعدد
هندسی و نجومی.

شرح اکر مانالاووس در مثلثات کروی و تصحیح آن،
رساله قطب نما و قبله نما،
دروس هیئت و رشته های ریاضی_ دو جلد)،
دروس معرفة الوقت و القبلة،
تکسیر دائره ،

رساله فی تعیین البعد بین المکزین ،
رساله فارسی حول فنون ریاضی،

تصحیح و تعلیق اکر تاوذوسیوس ،

تصحیح مساکن تاوذوسیوس ،

تصحیح کتاب الکره المتحرکه لاوطولوقوس ،

تصحیح مجسطی بطلیموس،

چندین رساله دیگر در فنون ریاضی و هندسه، محاسبه جیب سینوس یک درجه با اعشار بالا، ده رساله فارسی (بخش ریاضیات) کتاب هزار و یک نکته در شماره

های 124، 131، 134، 142، 145، 146، 159، 161، 215، 222،

3، 14، 46، 48، 106، 108، 226، 133، 241، 255، 291

اذا 40 اثر ریاضی دارد از رساله های کوچک تا کتاب های چون وقت و قبله

این کتاب وقت و قبله هم که از (کتاب تحفه الاجله فی معرفه القبله سردار کابلی) است که ان را تصحیح فرمودند که تعلیقات اقا بیش تر از متن کتاب تحفه الاجله شد و برای همین این تعلیقات را به عنوان کتابی به نام دروس وقت و قبله تدوین فرمودند که در حدود 76 درس است

که پس از دروس هیئت ما نیز ان را مورد شرح قرار دادیم و الحمدالله مورد توجه اکثر عزیزان قرار گرفته و تاکید ما هم بر این سلسله دروس است

چون طولی نمی کشد که در یک سطح وسیعی علوم مربوط به شعب مختلف ریاضیات در بحث های علوم غریبه بسیار در جهان فراگیر می شود و شما طبیعتاً نیازمند این علوم خواهید بود در خصوص جوانانی که می خواهند در مسیر تحصیلات قدم بردارند از همین ابتدا طبیعتاً اختلاف مزاج و روحیات دارند که هر کدام اختزاع خود را دارد اما باید عملاً به سوی ریاضیات عالیه حرکت کنید

جوری معادلات هم جهانی و هم معادلات مختلف ابعاد علمی در

جهان سوق پیدا می کند که حتی دنیای سیاست هم به صورت معادلات ریاضی درآوردند

مثل اینکه شما بخواهید یک عدد را با عدد دیگر جمع کنید طبیعتاً به یک نتیجه واحدی خواهید رسید که اگر خطایی در عمل رخ ندهد نهایتاً نتیجه یک نتیجه واحد خواهد شد
به زودی آنچه را که الان در دانشگاه و حوزه ها می خوانید احتیاج به فهم در رشته می خواهید که شاید این رشته ها برای اولین باریست به گوشتان می خورد
اینم دلیلش این است که عربی ها مستشرق شدند

مستشرق چیست؟

یعنی کسی که اهل غرب است و میل به شرق پیدا کرده است
مستشرق بر باب استفعال است

کأنهو ما مکه را در عربستان سعودی به عنوان مرکز نصف النهار قراردهیم

تقریباً آنچه را در در غرب نصف النهار قرار میگیرد به عنوان مغرب و آنچه شرق این نصف النهار است به عنوان مشرق قرار دهیم
غربی ها میل پیدا کردند به سمت شرق بیایند که ببینند شرق چه خبرهاست

لذا آمدند و منابع علمی اصیل ما را بردند

این منابع را بردند و با آن دو کار انجام دادند

الف) این منابع را حفظ کردند و از بین نبردند

داعشی را که میبینید آمدند و برای تخریب مکان های مختلف را به آتش کشیدند و تخریب کردند و ادم کشتند اما کتاب نسوزاندن که اگر هم سوزاندن نسخه خطی نبود

نتیجه حملات داعش در 50 سال آینده مشخص میشود

که آنها در موصل و سلیمانیه عراق حدود **8000** جلد نسخه خطی رو بردند

خب اولین کار این بود که این نسخه ها را حفظ کنند
اگر در ایران هم این نسخه ها می مانداز بین میرفت و چه کتاب
های که ماند و نابود شد

یک تفکری هم از دویست سال پیش در حوزه های علمیه قرار
گرفت به عنوان آتش زدن و از بین بردن کتاب های کفر
و این خود یک احکام شرعیست و در عالم اسلام رسوخ کرد و
طبق این حکم خیلی از منابع دینی از بین رفت
لذا گروهی هم که با اکثر رشته های علمی مخالف هستند و این
مخالفت یک نتیجه منفی به دنبال داشت و این بود که از سوی
مفتی ها و فتوا دهنده ها حکم به احتراق کتب به نام ظاله(کتاب
های گمراه کننده) مثل ریاضیات و نجوم و هیئت و... (بیشترش هم
تفکر انگلیس ها بود) صادر شد

و لذا این کتاب ها از ایران به در میرفت یا در ایران از بین میرفت
این مستشرقین که اصلش انگلیس بود در افکار حوزه علمیه رسوخ
کردند و تفکر ضدیت بسیاری از علوم را در اذهان افراد نهادینه
کردند و این تفکرات را جهت دادند و از طرفی گفتند این کتاب ها
که بدرد اینجا نمی خورد شیعه و افراد مسلمان نباید این کتاب ها
را بخوانند و اینها را بردند

ب) بر روی تمام این کتاب ها کار علمی کردند و بهینه سازی کردند
اینقدر رشته های علمی از ناحیه همین کتاب ها پدید آمد که در
عالم سیاست و اقتصاد و اعتقاد و... بسیاری از علوم مربوط به
شعب مختلف علوم عرفانی و فلسفی بسیاری بدست آوردند
طولی نخواهد کشید که رشته های علمی از سوی غربی ها وارد
کشور میشود که الانم شده و دارد ادامه میابد اینها می آید و
تفکرات دانشجویان و متفکران ما را در می نوردد
در جوان های ما احساس خلع سنگین رخ میدهد
مثل اینکه یک آدم در روستایی باشد و در بین مردم آن روستا
نویسا باشد و خیال کند خیلی قوی هست اما ناگهان وارد یک

شهری بشود و ببیند که این مقدار دانایی ایشان مطابق با این افرادی که با آنها مواجه شد چیزی نیست و به حساب نمیآید و احساس خلع و پوچی به او دست میدهد و فکر میکند دیگر پوسیده شده است و بدرد نمیخورد این یکی از راهایی است که دشمن برای علبه بر افکار استفاده می کند و همچنین دارد وارد میشود این رشته های که آوردند و رویشان کار میکنند بر اساس این رشته ها تمام معادلات دانشگاهی ما را بهم میزنند ما یک پیشرفت ایجاد میکنیم و آنها این پیشرفت را پسرفت محسوب میکنند و این خلع دیگریست برای همین تقریباً در درون ایران تفکر اروپا گرایی نهادینه شده است

واقعا از مردم رای گیری کنیم و بگویم ازادانه بگوید که چه نوع زندگی را می پسندید ؟

میگویند زندگی اروپایی را

بخصوص که بسیاری مسافرت میکنند و به غرب میروند و انجا را میبینند

شما نیاز به پایه های سنگین علمی خواهید داشت یکی از این پایه ها سیر علمی ریاضیات است که حصرت اقا از کتاب های قدیمی به تحریر کشید که مستشرقین همین کتاب ها را گرفتند و بردند و رویش کار کردند و همین نتیجه که از اروپا مشاهده میکنید اکثراً از همین کتاب های قدیمی ماست و هم آنچه از تفکرات که وارد شرق شد و الان شرقی ها مستغرب شدند الان صاف به عکس شده است شما الان نمی بینید کتاب دانشگاهی که خودتان نوشته باشید و اگر هم استاد ایرانی نوشته خیلی بهش اعتماد ندارید و به دانشمند غربی رجوع می کنید

هر کسی زحمت کشیده مزد میگیرد

مزد ان گرفت جان برادر که کار کرد...

خداوند در قران یک قانونی به ما عطا کرد که ربطی ندارد کسی اعتقاد و چه و چه ...داشته باشد بلکه هرکس به بهتریت وجه عمل کند خداوند اجرش را ضایع نمی کند

ولذا صحنه معکوس شد و شرقی ها دارند مستغرب میشوند مشکل

اساسی مسئولین ما هم بعد از انقلاب بر سر همین دو تفکر است

یک نظریه) این است که اروپاییان الگو بگیریم و کشور را اداره کنیم و تمام رشته های ما و مهندسين رده بالا به مسافرت خارجی میروند مثل چین و آلمان و... تا آنجا را ببینند و برگردند شرقی ها شدند مستغرب

این غربی ها به یک سری علوم دیگر هم دست یافتند که دیگر مرئی نیست بلکه نامرئی است یعنی دیگر نیاز نیست از غرب راه بیافتند به ایران بیایند و جاسوسی فلان شهر و ریس را کنند چون دستگاه های اطلاعاتی کشف کردند که تازه ما پهباد هایی داریم و دست کودکان ماست که به هوا میروند و با دوربین چند کیلومتر را نشان میدهد که اگر چنین پهبادی را ما در جنگ داشتیم این همه در شب تلفات میدادیم که برای شناسی خط عراقی ها باید از چه مین ها و تله های انفجاری و سیم خاردارها رد میشدند البته غربی ها الان پیشرفته تر از اینها را دارند و این پهبادها عروسک بازی هست آنها الان به دستگاه های مجهز هستند که راحت بر افکار مسئولین مانفوذ میکنند و تحت اختیار خودشان قرار میدهند یعنی با امواج

انها امواجی میفرستند و شما هم با همین امواج است این همه ارتباطات و ماهواره و... دارید

پیک شما کیست؟ امواج است. پیام را از اینجا تا اروپا میبرد و از آنجا به شما میرساند و ممکن است در وسط یک سکت هم پیش بیاید

پیک شما امواج است اروپاییان آمدند و بر این امواج مسلط شدند اینکه حضرت اقا آمدند و در پشت کتاب هیئت نوشتند و دیگر دروس ریاضی این حرف خیلی عمیق است و اگر چه جز حسرت ما شد که دروس معرفت تا 153 و دروس هیئت تا 112 درس متوقف شد و قرار بود به [1001](#) درس برسد و میتوان بعد هیئت مطالب کتاب وقت و قبله و کتاب های دیگر ریاضی را دنبال کرد خلاصه باید از یک نقطه ای شروع کرد نمیشود ساکت شویم و دست بر

روی دست بگذاریم

اقل دیگر رشته های ریاضی همان ریاضی و هندسه است چون یک بحثی را ملاصدرا دارند و حضرت اقا در تعلیقات خود آوردند(به عنوان طرح درس نمیخواهیم بیانش کنیم)افکار یونان قدیم شده افکار غربی های امروز

فلاسفه جدید از فلاسفه یونان باستان و یونان باستان از ایران قدیم(نه کشور کوچک کنونی)گرفتند

الان شما چند دوره علوم را دست به دست چرخیده را میبینید مستشرقین آمدند و علم را کشاندند و به اروپا بردند دوباره مجدداً به ایران بازگشت **1200** سال در یونان اوج گرفت بعد ان دوباره ایران آمد خصوصاً **1400** سال پیش با ظهور اسلام در ایران و پیشرفت دانشمندان ایرانی باز در ایران یک پیشرفت جدید علمی در ایران شکل گرفت مجدداً غربی ها باز آمدند و از منابع شرق به غرب بردند و حال ما باید برویم و علوم را بیاوریم و احیا کنیم البته یه پیشرفت های هم غرب به ان اضافه کرده و به تعبیری رفتن علوم از ایران به غرب سبب پیشرفت زیاد در زندگی مردم شد و این پیشرفت قابل ملاحظه است اما ایران باید دوباره برگردد و سرمایه خود را دوباره احیا کند

الان در جوانان ما یک حالت پوچی بیشتر روی داده شاید سیاسیون غرب نشستن و فکری کردند که حقیقتاً پس از انقلاب اینترنت را راه انداختند و مطالب فراوانی در ان ریختند که قدرت تفکر را از شرقی ها گرفتند

الان مردم شرق متفکر و متعمق نیستند
چرا؟

برای اینکه بس که اطلاعات که میخواهیم در فضای مجازی به ما هزار برابرش اطلاعات میدهند و برای هر مبحثی سایت های را باز میکنید و یا مسیر های ارتباطی مانند ماهواره و... را اینقدر پیش پایتان اطلاعات میریزند که تقریباً فکر کردن را از شرق گرفتند

1) وقت نمی کنید تا بخوانید

2) اطلاعات هر روز بروز میشود

قدرت تفکر گرفته میشود که نمیتوان صغری و کبری کنید از مجهول به معلوم برسید و از معلومات مقدمه بسازید و از معلوم دوباره به مجهولات سفر کنید تا چیزی از تفکر خود بدست بیاورید لذا هیچگاه دانشجو ما مجتهد بار نمیاید بلکه مقلد است خود شخص استکشافی از فکر خود ندارد کشف مجهول از معلومات تصدیقی و تصویری ندارد چون همه چیز برایش آماده شده است 3) درون این اطلاعات وسیع اینقدر اطلاعات غلط میریزند که هیچ نمی توان صحیح را از ناصحیح تشخیص داد برای اطمینان دادن به افراد استناد میدهند جوری که باورتان شود که ان بیانات صحیح است در این مطالب وافره هم قدرت فکر ندارید و هم قدرت تشخیص دنیای سیاست را هم آوردند در همین وادی که هیچ کس از سیاستمداران اطلاعات درستی ندارند

4) شما برای تحقیق یک میزان میخواهید مثلا در ریاضیات شما یک جمعی را انجام دادید از کجا میفهمید درست است؟ باید میزان داشته باشید نه اینکه برگردید و دوباره اعداد را جمع کنید که این راهش نیست بلکه بایک میزان باید صحت عمل خود را بسنجید که شیخ بهایی در حساب (محاسبات عددیه) ان را آورده است

چون میزان در اجتماع نیست و وقتی دنبال اطلاعات میروی صحیح از ناصحیح را تشخیص نمیدهید و بفرض بخواهید یافته های غربی را میزان قرار دهی چه بسا یافته ناصحیح کسب کنی وانگهی اینها اطلاعات دقیق که از کتاب های ما دارند به ما میدهند و لذا اخیراً به شدت داریم میبینیم به خصوص از راه جداول

افاقی طولی نمیکشد شما را مقهور در این بخش ها می کنند و در هر رشته ای وارد شده و با یک سری معادلات که در دست دارند تمام معادلاتان را بهم میزنند و بر افکار رئیس و وکیل و ... نفوذ میکنند و افکار را بهم میزنند معادلات عجیبی است و ریاضیات عجیب و غریب است و لذا علوم ریاضی پایه های چندین ساله دارد و هر کی در ریاضیات بتواند به مقامات عالی برسد او در تمام امور موفق است

در دوره صفویه اینقدر پیشرفت عجیب و غریبی در صنعت و اجتماع و... رخ داد

چرا؟ چون افکار ریاضیات مثل شیخ بهایی به میدان آمده بود شیخ بهایی کسی بود که هر رشته علمی چه این رشته های معقول چه منقول تحول ایجاد کرد

خدا هم لطف فرمود که در عصر ما یک شیخ بهایی (علامه حسن زاده) احیا کرد گرچه کشور استفاده نکرد و نتوانست از عهده برآید و این چند سال هم بحث و درسها و کارهای که شده بارها به دوستان عرض می کردین که چند صد سال باید بگذرد که تازه بفهمین که چه داشتیم و هیچ از آن استفاده نکردیم بالاخره صفویه استفاده کرد از ملاصدرا و میر داماد و شیخ بهائی و...

تفکر شیخ بهایی در شئون مختلف وارد کار شد و این همه تحولات ایجاد کردو حتی در زمینه درسی حوزه های علمیه وارد شد اما در زمان ما استفاده نشد و این یکی از نقایص است که در عصر ما واقع شد

اقا دروس هیئت را در [1365/7/3](#) شروع فرمودند و در آخر جلد دوم هم پایانش ذکر شده است

در این مقطع زمانی ما درگیر جنگ و تمام مسائل سخت کشوری بودیم اقا میاید و دروس هیئت را شروع میکند یعنی اساس فکری میچیند و کشور دچار اون همه گرفتاری های دوره شاه بود و مردم در حال انقلاب و کشمکش بودن (که خب هر کشوری انقلاب میکند

و میگویند ما این رئیس را نمی خواهیم ان یکی رو میخوایم
حالا که انقلاب کردید میخواید چکار کنید و چه چیز دارید که به
جهان عرضه کنید؟)

اقا آمد و دروس معرفت نفس را از سال 55 یعنی دو سال قبل از
پیروزی انقلاب اصول معرفت نفس را پایه ریزی می کند و قرار بود
تا **1001** درس بشود و مطلق علوم در آن قرار بگیرد که تا 153 درس
رسید و منقطع شد

به دوستان که دستی در کار داشتند گفتیم که قبل از اینکه داعش
بتواند تسلط پیدا کند بر عراق و سوریه
شما یک نیرو بگذارید اختصاصاً نه برای جنگ و جبهه بلکه این نیرو
فقط بروند در شهر حلب و موصل و... دنبال کتاب های خطی باشند
متأسفانه این کار نشد و حالا متوجه شدند که در موصل و
سلیمانیه و... **8000** کتاب خطی را بردند این نسخه ها به ترکیه و
قسنطنطیه و عربستان و قطر رفت فعلاً هم این نسخه ها را از بین
نمی برند تا میتوانند از اینها کار می کشند و آن متخصصین علمی
روی این کتاب ها کار می کنند و مطالبش را می گیرند و بعد آن را
انحاً میکنند

و لذا یک راهی را در پیش گرفتند به نام انحاً (محو کردن و نابود
کردن)

که چرا این کار رو میکنند؟

چون این نسخه ها به دست ما نیفتد و شما میخواید فلان حدیث
را بخوانید میگویند مأخذ شما چیست؟
میگویم بحار انوار

میگویند این که برای 400 سال پیش است نسخه خطی چی دارید؟
اصلاً بگویند شاید این مباحث را مجلسی بافته باشد؟
شما میخواید چه جواب بدهید؟

تا نسخه خطی ارائه ندهید مطالبتان معتبر نیست لذا کار انحاً را در
پیش گرفتند

در آن فضا سال 55 که در قم حرکت شروع شد و همچنین شهرهای

دیگر

واقا مصطفی شهید داره میشه

واهسته اهسته 56 داره درگیری اوج میگیرد

و 57 انقلاب داره پیروز میشه

علامه حسنزاده در سال 55 یعنی دو سال قبل از انقلاب پایه علمی

و فکری را بنا میکند به وسیله کتاب معرفت نفس

که اگر انقلاب شد و دانشمندان از سراسر جهان آمدند و میگویند

چه چیزی دارید؟ مثل جناب رسوالله وقتی به پیامبری رسید اینقدر

دانشمندان از رشته های مختلف یهودی و نصارا و مسیحیت و...

خصوصا یهودیت سرازیر شدند به سوی مکه

چون مگفتند آقای آمده و ادعا پیامبری میکند

امدیم ببینیم می تواند سوالات ما را جواب دهد یا نه

پس فکر نکنید در دنیا ما فقط عقل داریم چون محمد رضا پهلوی را

بیرون کردیم و کسی عاقل نیست

اینقدر در کشورها انقلاب شده است که باید حرف برای گفتن

داشته باشیم و حرف ارائه کنیم

مردم عالم، علم میخواهند و اگر به مردم علم بدهیم آنها میایند اما

اگر نخواهیم فقط بحث سیاسی کنیم فایده ندارد چون اون هم

مباحث سیاسی خود را دارد شما هم همینطور و باید تا آخر عمر

باهم بحث کنید

در [1001](#) یک کلمه حضرت اقا آوردند که انیشتین در 17 صفحه

افکار خود را نوشت که این 17 صفحه تبدیل به [3775](#) جلد کتاب

شد هنوز کسی در جهان نداریم که تالیفاتش به این اندازه باشد

ابن عربی 950 جلد کتاب دارد که با ملحقاتی که به ان اضافه شد

به [1350](#) جلد رسید علامه حلی 400 جلد

جالینوس در طب 400 جلد

البته این امارها هم کم نیست اما [3775](#) جلد از انیشتین کل اروپا

را در نوردید

پس نفرماید که ما همه چیز داریم البته همه چیز داریم قران و

روایات داریم اما رویش کاری نمی کنیم تمام کتاب های تفسیری ما در مورد قران اگر نوشته شده در این **1400** سال جمع کنیم به 50 هزار جلد هم نمیرسد ولی انیشتین میاید و 17 صفحه را تبدیل به **3775** جلد تبدیل می کند اما ما قران 114 سوره ای که الان به صورت کتاب حدود 600 صفحه ای هست را **5000** جلد هم شرح نکردیم

کار نمیکنیم، اصلا بنا بر کار نداریم باید بعد انقلاب تا اکنون کل کشور را درس و بحث میگردیم

لذا حضرت اقا میایند در نزدیکی انقلاب دست به کار میشوند کتاب عیون نفس را که خواستند تقدیم امام خمینی کنند و انسان در عرف عرفان راهم تقدیم رهبر امام خامنه ای کردند ناصرالدین شاه پیاده به سمت خراسان حرکت کرد و به مرحوم حاجی سبزواری پیغام دادند که من وقتی به پابوسی امام رضا میایم شما کتابی بنویسید و به من ارائه کنید

شاید این پادشاه فلان و فلان ظلم را کرده اما فکرش را ببینید که پیغام میدهد به حاجی سبزواری که در سبزواری درس و بحث داشتند یک جلد کتاب در مورد توحید و معاد بنویسد و حاجی کتاب اسرار الحکم را مینویسند که این کتاب متن بسیار سخت علمی دارد و این متن علمی را باید حوزویون و دانشگاهی ها در نزد یک استاد درست بخوانند که بسیار لطایف دارد و اسم کتاب بر رویش هست اسرار (جمع سِر) جگم (جمع حُکم)

بعد پیروزی انقلاب شهید مطهری یک سری مطالب ارائه داد که اکثراً نوارهای درسی ایشان بود اما هیچ کدام مثل حضرت اقا یک کار سنگین علمی را مثل معرفت نفس پایه گذاری نکردند که سیر ان قبل انقلاب شروع و بعد انقلاب تعطیل شد

علامه طباطبایی قبل پیروزی انقلاب تفسیر المیزانش به پایان رسید و لا اقل در سطح جهان چیزی برای عرضه داشتیم والحمدالله هنوز هم المیزان در جاهای مختلف دنیا رفته و جای حرف دارد

دروس هیئت هم که در سال 65 در اوج مسائل جنگ (عملیات کربلا 4

و 5) آغاز میگردد که شما این دو جلد را حداقل با تمام دقت بخوانید بعد از آن کتاب های سنگین مثل کتاب های که در اول جلسه گفتین از مجلسی گرفته تا اصول اقلیدوس تا مثلثات کروی ، اگرها که چند تا اکر داریم که مال نویسندگان مختلف ... جامع بهادری، ذیح بهادری و...مراجعه کنید و برگردید به دروس هیئت میبینید تک تک این کتاب چطور بر اساس مباحث سنگینی قرار گرفته است و بعد به سمت دروس هیئت و رشته های دیگر ریاضی بروید

اصلاً این علوم هیئت تقریباً از زمان ادريس پیامبر شروع شد که مرحوم شیخ بهایی یک عبارتی دارد در کتاب کشکول که در زبان یونان از ادريس نبی به نام هرمس نام میبرند که ما در قرأت ادريس نبی و الیاس نبی می نامیم

این ادريس که به این نام آمد این رشته های فکری هیئت را آورد و برایش 20 سال غیبت پیش آمد و این 20 سال در کره خورشید زندگی می کردند و شاید بگویند که انجا چندین هزار درجه حرارت دارد مگر جایی زندگی است؟ مگر جای حیات است؟ انجا که گفتیم که غربی ها با علوم ما می آیند و بر ما تاثیر میگذارند و ما احساس خلع میکنیم

باید بدانیم به زندگی در خورشید هم دست یافتند چون حضرت ادريس 20 سال در کره خورشید زندگی کرد و وقتی بعد به زمین آمدند به اسم الیاس آمدند

بحث غیبت و ظهور بحث جدیدی نیست این را شیخ صدوق در کتاب کمال الدین آوردند

اصلاً کتاب کمال الدین به یک تعبیری برای بیان تفکر و انتظار است که ما راجع به حضرت بقیه الله می گویم ایشان غائب شده و حالا شما برگردید ببینید با این کتاب چه کسانی غائب شدن و ظاهر شدن و انتظار کشیدن و به ظهور آمدند و یکی از مهمترینشان هم حضرت ادريس است

بنابر یکی از روایات ادريس از خدا 16 کتاب دریافت کرد و بعضی روایات [1001](#) کتاب اسمانی بر انبیا نازل شد که هزار و یکمیش

قران است در بعضی نقل ها 66 کتاب نازل شد
(آخرین کتاب اسمانی قران کریم است و یکی از لطایف این است
که بعد از این کتاب دیگری نازل نمی شود ولی معنایش این نیست
که قران هم نازل نشود)

این همین اندازه براتان بس است چون در کسب علم زحمت
نکشیده اید مطالب را هدر میدهید

بعد (قران و غیر از کتاب های اسمانی دیگر کتاب اسمانی جدیدی
از عالم غیب به عالم ظاهر نمیاید اما معنایش این نیست که از
اسمان کتابی نازل نشود) این مطلب هم فعلاً بماند
غربی ها به این رموز هم پی بردند نه غیبت تمام شدنی است و نه
زندگی در افتاب غیر ممکن
الان (به ظاهر) هیچ کسی را داریم که اعلام کنند رفته در کره
افتاب؟ نخیر

اما در کره ماه و مشتری حتی مسافر هم میبرند اما کره خورشید
(به ظاهر نشده) اما تعدادی هم موفق به رفتن شدن اینان بر اساس
همین معادلات ریاضیات عالییه است

کسی به ریاضیات دست پیدا کند قدرت تسلطش بر نظام هستی
شکل میگیرد و اینها را غربی ها کردند و از جناب هرمس آمد و اگر
قبل هرمس هم داریم حرف دیگری است که هرمس حکیم، اولین
کسی که علم هیئت و نجوم و معادلات علم هیئت و نجوم و
مستخرج علم حساب است

در قصیده ینبوع الحیات از حضرت اقا که به اسم یکی از رساله
های ادریس نبی است به وزان ان کتاب این قصیده که حدود 425
بیت دارد و به عربی است و در آخر دیوان آمده را سرودند
که یک دوره مطالب لطیف عرفانی و توحیدی و انسان ساز و موحد
کامل شناسی است

لذا سهروردی در حکمت اشراق هم دارد که هرمس از استاد های
ارسطو بود و میدانیم یکی از اساتید ارسطو افلاطون است در
تفسیرها و فرمایش های دیگر هم آمده است که اولین کسی که در

این علوم هیئت حرف زده جناب هرمس یا همان ادریس نبی است
به تعبیری مطلق علوم معقول و منقول به خصوص معقولات و
ریاضیات در زمان ادریس نبی شروع شده و این طور که حضرت
اقا فرمودند اولین کسی که رصدخانه بنا کرد جناب ادریس نبی
بوده است الان که رصدخانه ها پیشرفت کردند و مراکز سنگین
علمی در جهان شدند پایه ان از ادریس نبی بود

@ro64doroseheyat